

سلسله درس های محدودیت

حلقه پنجم

نعمت امام علیّه السلام

دکتر سید محمد کبیری مازنی



سرشناسه: بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: نعمت امام (ع): سلسله درس‌های مهدویت، حلقه پنجم
سید محمد بنی هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۳۳۲ ص.
شابک جلد پنجم: ۰-۱۵۲-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
شابک دوره: ۲-۱۵۸-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. مهدویت.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۸ ب ۸۳ / BP ۲۳۴
رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷ / ۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵

شابک ۰-۱۵۲-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-539-152-0

نعمت امام علی(ع)

سلسله درس‌های مهدویت (۵)

سید محمد بنی هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: زنیق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۲۱-۶۶۸۰۱۳۳۵ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وبسایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز بخش: تبریز (صحیفه) ۰۴۱۱-۵۵۵۱۸۴۸ * اهواز (رشد) ۰۶۱۱-۲۲۱۷۰۰۱ * مشهد ۰۵۱۱-۲۲۵۷۲۵۷
شیراز (شاهچراغ) ۰۷۱۱-۲۲۲۱۹۱۶ * اصفهان (مهر قائم) ۰۳۱۱-۲۲۲۱۹۹۵ * ذوقول (معراج) ۰۶۴۱-۲۲۶۱۸۲۱

۳۷۰۰ تومان



این حلقه به نیابت از:
احیاگر احادیث اهل بیت علیهم السلام
شیخ محمد بن یعقوب کلینی رحمته الله
به پیشگاه؛
مادر بزرگوار خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم
حضرت آمنه بنت وهب علیها السلام
تقدیم می‌گردد.



فهرست مطالب

▣ بخش اول: شکر نعمت‌های الهی

۱۵	فصل اول: اهمیت شکر پروردگار
۱۵	درس اول: نعمت شکر
۱۵	حکمت عطا شده به لقمان
۱۷	موعظه لقمان به فرزندش
۱۹	شکر، لازمه بندگی
۲۰	رسیدن به مرز انسانیت به وسیله شکر
۲۲	معرفت «حمد»
۲۵	درس دوم: شکر مُنعم
۲۵	مُنعم دانستن خدا
۲۶	لزوم شکر منعم
۲۸	شکر نعمت الهی در بیان امام کاظم <small>علیه السلام</small>
۳۱	شکر، نیمه از ایمان
۳۳	همسانی نعمت شکر گزارده نشده و گناه نابخشوده



۷۳	معرفت به تقصیر در شکر خداوند	۳۵	فصل دوم: انواع شکرگزاری
۷۵	نعمت‌های قدر ناشناخته	۳۵	درس سوم: معنا و مراتب شکر
۷۷	شکرگزاری خدا نسبت به معترفان به تقصیر	۳۵	معنای شکر
۸۲	درس هفتم: اعتراف معصومین <small>علیهم السلام</small> به عجز از شکر	۳۷	مراتب شکر
۸۲	احساس عجز از شکر، متناسب با درجه معرفت	۳۸	شکر قلبی
۸۳	دعای امام سجاده <small>علیه السلام</small>	۴۰	اعتراف به نعمت
۸۵	شکر امام حسین <small>علیه السلام</small> در دعای عرفه	۴۳	ادای شکر با اعتراف قلبی
۹۰	اعتراف به تقصیر در ادای شکر	۴۶	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۳
۹۲	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۴ تا ۷	۴۷	درس چهارم: شکر زبانی
۹۳	فصل چهارم: نتیجه شکر و کفران نعمت	۴۷	جاری شدن شکر بر زبان
۹۳	درس هشتم: نتیجه شکر و کفران نعمت	۴۸	نعمت برتر
۹۳	شکر، سبب فزونی نعمت	۴۸	ثناى منعم
۹۶	نعمت بیشتر، مسؤولیت بیشتر	۵۰	ذکر «الحمد لله»
۹۸	شکل‌های گوناگون «از دیاد نعمت»	۵۲	افزایش نعمت با حمد خدا
۱۰۰	بقاء و زوال نعمت	۵۴	پس از آب نوشیدن
۱۰۲	گناه، عامل سلب نعمت	۵۶	سجده شکر
۱۰۷	فصل پنجم: شکر واسطه‌های نعمت	۶۰	درس پنجم: شکر عملی
۱۰۷	درس نهم: شکر واسطه‌های نعمت	۶۰	اظهار عملی نعمت
۱۰۷	لزوم شکر واسطه نعمت	۶۱	شکر عملی نعمت زبان
۱۱۰	چگونگی شکر واسطه‌های نعمت	۶۳	پرهیز از معاصی، لازمه شکر عملی
۱۱۳	مراتب شکر واسطه نعمت	۶۷	بالاترین مراتب شکر
۱۱۵	غفلت از شکر واسطه‌های نعمت	۶۸	کامل کننده شکر عملی
۱۱۶	شکر نعمت والدین	۷۱	فصل سوم: بالاترین درجه شکر
۱۲۰	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۸ و ۹	۷۱	درس ششم: اعتراف به عجز از شکر
		۷۱	عجز از شکر خدای متعال

□ بخش دوم: شکر نعمت امام علیه السلام

۱۲۳	فصل اول: نعمت بودن امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۲۳	درس دهم: امام <small>علیه السلام</small> نعمت بزرگ الهی
۱۲۳	نعمت مورد سؤال خداوند
۱۲۵	الف - نعمت بودن امام <small>علیه السلام</small> از جهت تکوینی
۱۲۵	امام غائب، نعمت باطنی
۱۲۷	فایده تکوینی بودن امام <small>علیه السلام</small> بر روی زمین
۱۳۲	درس یازدهم: امام <small>علیه السلام</small> ، مالک دنیا و آخرت
۱۳۲	زمین و همه محصولات آن، ملک امام <small>علیه السلام</small>
۱۳۶	خلق همه دنیا برای امام <small>علیه السلام</small>
۱۳۸	امام <small>علیه السلام</small> ، مالک آخرت
۱۴۰	وساطت امام <small>علیه السلام</small> در انعام خدا به خلق
۱۴۴	درس دوازدهم: امام <small>علیه السلام</small> ، واسطه فیض
۱۴۴	توضیحی در معنای وساطت فیض
۱۴۵	واسطه های قبض روح
۱۴۹	واسطه های تقسیم روزی
۱۵۴	ولی نعمت بودن امام <small>علیه السلام</small>
۱۵۶	پرسش های مفهومی از درس های ۱۰ تا ۱۲
۱۵۷	درس سیزدهم: هدف از انعام الهی
۱۵۷	ب - نعمت بودن امام <small>علیه السلام</small> از جهت تشریحی
۱۵۷	تفاوت جنبه تشریحی و تکوینی نعمت امام <small>علیه السلام</small>
۱۵۸	هدف از انعام خدا به بندگان
۱۶۱	تبدیل نعمت به نعمت
۱۶۵	درس چهاردهم: رابطه معرفت خدا و معرفت امام <small>علیه السلام</small>
۱۶۵	معرفت امام <small>علیه السلام</small> ، تنها راه معرفت الله
۱۶۷	معرفت امام <small>علیه السلام</small> ، میوه و نشانه معرفت خدا

۱۶۹	درس پانزدهم: رابطه شکر خدا و معرفت امام <small>علیه السلام</small>
۱۶۹	ادای شکر نعمت های الهی، فقط با معرفت امام <small>علیه السلام</small>
۱۷۱	تفسیر حکمت لقمان به معرفت امام <small>علیه السلام</small>
۱۷۷	فصل دوم: شکر قلبی نعمت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۷۷	درس شانزدهم: شکر قلبی نعمت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۷۷	معرفت قلبی
۱۷۸	معرفت نعمت و محبت مُنعم
۱۸۴	پرسش های مفهومی از درس های ۱۳ تا ۱۶
۱۸۵	فصل سوم: شکر زبانی نعمت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۸۵	درس هفدهم: ذکر نعمت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۸۵	ذکر محبوب
۱۸۶	ذکر نعمت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۱۸۹	ذکر میثاق الهی
۱۹۲	معرفی امام <small>علیه السلام</small> به اسم و صفت
۱۹۵	درس هجدهم: مصادیق دیگر شکر زبانی
۱۹۵	شناگویی از مُنعم
۱۹۸	اظهار زبانی نعمت
۱۹۹	دعا
۲۰۲	برپایی مجالس ذکر
۲۰۲	تشکر از خداوند
۲۰۳	اثر ذکر زبانی
۲۰۴	سجده شکر



۲۰۷	فصل چهارم: شکر عملی نعمت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۰۷	درس نوزدهم: شکر عملی (۱)
۲۰۷	معنای شکر عملی نعمت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۱۰	شکر عملی وصف طبابت
۲۱۱	شکر عملی شاهد بودن امام <small>علیه السلام</small>
۲۱۳	شکر عملی «رفیق مونس»
۲۱۵	شکر عملی نسبت به دستگیری امام <small>علیه السلام</small>
۲۱۶	درس بیستم: شکر عملی (۲)
۲۱۶	شکر عملی «علم مصبوب»
۲۱۸	شکر عملی «الوالد الشفیق»
۲۲۰	نوشتن عریضه به امام <small>علیه السلام</small>
۲۲۴	تجدید بیعت با امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۲۶	عجز از شکر عملی
۲۲۷	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۷ تا ۲۰
۲۲۹	فهرست منابع

بخش ۱

شکر نعمت نامی الهی



فصل ۱

اهمیت شکر پروردگار

درس اول: نعمت شکر

حکمت عطا شده به لقمان

وصف حکمتی که خداوند متعال به جناب لقمان بخشیده، در آیات و روایات، مکرر به چشم می خورد. همچنین سخنان و مواعظ ایشان در قرآن - معجزه جاوید پیامبر ﷺ - بیان شده است. این امر، اهمیت و شرافت حکمتی را که خدا به جناب لقمان بخشیده، نشان می دهد. پس مناسب است که این حکمت را از کتاب و سنت شناسایی کنیم:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ.»^۱

ما به لقمان حکمت عطا کردیم که خدا را شکر کن. و کسی که

یکی از مهم ترین واجبات فراموش شده، شکر نعمت های الهی است. کمتر کسی از اهل ایمان این مقوله را بر خود فرض می شمارد و نسبت به عدم انجامش، خویش را مقصر می داند. اما واقعیت این است که همین امر از عدم شناخت صحیح این فریضه الهی حکایت می کند و ضرورت آگاهی یافتن در باره آن را بیشتر روشن می نماید. از این رو، به عنوان اولین قدم در مسیر جبران کوتاهی های خویش، خود را محتاج می بینیم تا جایگاه «شکر نعمت» را در فرهنگ قرآن و سنت بشناسیم. نتیجه این شناخت، تصدیق این حقیقت است که کوتاهی در امر شکرگزاری، انسان را تا حد بهیمنیت (چارپا بودن) تنزل می دهد. اینجاست که قدم دوم را در این راه، در خصوص آشنایی با انواع و مراتب شکر الهی بر می داریم و بدین گونه با معنای شکر قلبی، زبانی و عملی آشنا می شویم.

سومین گام در این بحث مربوط به بالاترین درجه شکر است که همانا عجز از شکر و اعتراف به تقصیر در ادای آن می باشد. آگاه شدن از نتایج شکر و عواقب کفران نعمت، چهارمین قدم در شناخت هر چه بهتر این فریضه فراموش شده است.

پنجمین و آخرین گام در این بحث، توجه به واسطه های شکر نعمت و اهمیت سپاسگزاری از آنان است.

در این بخش سعی می کنیم که با برداشتن این پنج قدم، شناخت لازمی از شکر به عنوان یکی از برترین واجبات دینی - ارائه دهیم.



در این کار، احتیاج به امری که امثال آن برایش مشکل و تکلف آور باشد، نداشته است.

نکته ظریفی که در ظاهر این آیه باید مورد توجه قرار گیرد، کلمه «آئینا» است. خدای سبحان می‌فرماید: «حکمت را ما دادیم». پس معلوم می‌شود که باید لطف خدا شامل حال انسان شود تا یاد بگیرد که «شکر» خدا را به جای آورد و این فهم شکر، چیزی نیست که هر کس به اختیار خودش بتواند به آن نائل شود. بلکه این لطف خداست که انسان به حدی از فهم و عقل برسد که بفهمد، باید خدا را شکر کند و بدین ترتیب از درجه حیوانیت عبور کرده، به مرتبه واقعی انسانیت برسد. از اینجا معلوم می‌شود که مسأله شکر خدا و رسیدن انسان به درجه فهم آن، چه اندازه اهمیت دارد. چرا که همه حکمت در این امر خلاصه شده و خدای متان، به خاطر این لطف و احسان، بر جناب لقمان منت نهاده است. بنابراین باید موضوع «شکر خداوند» بسیار جدی و اساسی تلقی شود و نباید به عنوان یک حکم فرعی و جزئی، به آن نگاه کرد.

موعظه لقمان به فرزندش

وقتی چنین حکمتی به جناب لقمان داده شد، ایشان به موعظه پسر خود پرداخت. خدای متعال مواعظ لقمان به پسرش را چنین بیان کرده است:

«وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»^۱

۱- لقمان / ۱۳.

شکرگزار باشد، صرفاً به نفع خودش شکر کرده است. و هرکسی کفران کند، خداوند، بی‌نیاز و در خور ستایش است.

خداوند در این آیه فرموده است که ما به لقمان «حکمت» عطا کردیم و خود در تفسیر حکمت، تعبیر «أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ» را آورده است. یعنی «خدا را شکر کن» را به او بخشیدیم. این نحوه بیان، به زیبایی هر چه تمامتر، هم موهبت الهی به لقمان و هم نحوه عطا آن را توضیح می‌دهد. «خدا را شکر کن» چگونه قابل بخشش است؟ مسلماً به صرف گفتن و امر کردن، این بخشش صورت نمی‌گیرد. امر به شکر کردن، در مورد کسی مفید و نافذ است که در مرتبه‌ای از معرفت و عقل و فهم باشد که هم اهمیت آن امر را بشناسد و هم حُسن آن را تا حدی و خوب عمل به آن تشخیص دهد. در آن صورت، چه بسا اصلاً نیازی به گفتن و امر کردن نباشد و او با همان عقل و فهم عطا شده، به ضرورت شکر خداوند برسد.

در بیان همین آیه مبارکه، از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده که خطاب به «هشام» فرمودند:

يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى... قَالَ: وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ قَالَ: الْفَهْمُ وَ الْعَقْلُ^۱

یعنی منظور از حکمت داده شده به لقمان در آیه شریفه، «فهم» و «عقل» است. به این ترتیب، نحوه اعطای «خدا را شکر کن» به لقمان فهمیده می‌شود. در حقیقت، خدای متعال، فهم و عقل و معرفتی به او بخشید، تا به برکت آن، خود تشخیص دهد که باید خدا را شکر کند. او

۱- اصول کافی، کتاب العقل و الجهل، ح ۱۲.



خود به ایشان عطا فرموده است. پس در شکرگزاری از خداوند، پرهیز از مصادیق شرک الزامی است؛ چه، اساس شکر، توحید در بندگی خداست.

شکر، لازمه بندگی

پایه و اساس شکر خداوند این است که انسان در بندگی او اخلاص داشته باشد و در هیچ شرایطی به خضوع در غیر پیشگاه خدا راضی نشود. چنین کسی می‌تواند به مرتبه شکر پروردگار نائل شود. در حقیقت، شکر، از اعتقاد عمیق به توحید برمی‌خیزد و هر مقدار این اعتقاد در انسان ضعیف‌تر باشد، کم‌تر شکرگزار خدا خواهد بود. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»^۱

خدا را شکر کنید، اگر فقط او را بندگی می‌کنید.

یعنی لازمه این‌که انسانی فقط خدا را عبادت کند، این است که او را شکر کند. «عبادت» منتهای خضوع و اطاعت محض از معبود است. نهایت خواری و تذلل در پیشگاه او، به خاطر خود او، نه به فرمان دیگری است. شکر نیز برخاسته از همین بندگی خالصانه است. هر قدر این اخلاص در بندگی ناقص باشد، تحقق شکر هم ناقص می‌شود. لذا به توصیه جناب لقمان، برای اینکه شاکر خدای متعال باشیم، نخست باید اعتقاد به توحید واقعی در ما محقق گردد. زیرا طبق بیان قرآن، لازمه بندگی کردن خدا، شکرگزاری از نعمت‌های او می‌باشد:

۱- بقره / ۱۷۲.

و هنگامی که لقمان، در حالی که پسرش را موعظه می‌کرد به او گفت: ای پسرکم به خدا شرک نوز، همانا شرک ظلم بزرگی است.

لقمان در مقام موعظه به پسرش گفت: کسی را با خدا شریک نکن و از شرک به خدا دوری کن. آیا این توصیه، با آن حکمتی که خدا به لقمان بخشیده ارتباطی ندارد؟ این سفارش لقمان به فرزندش، دقیقاً برخاسته از آن حکمت عطا شده به او است. چون ایشان به درجه‌ای از فهم و عقل رسیده بود که لزوم شکر پروردگار را با همه وجودش می‌یافت؛ لذا در مقام موعظه به پسرش او را به نفی شرک سفارش کرد، تا او را متذکر کند که شاکر بودن در پیشگاه خدا اقتضا می‌کند که انسان فقط بنده او باشد و سر به آستان دیگری نساید.

بدیهی است که هیچکس به اندازه خداوند بر انسان حق ندارد. چون همه نعمت‌ها از او است و اگر هم انسانها توانایی انجام کاری و خدمتی نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند، به برکت نعمت‌های او است. شکرگزاری به پیشگاه خداوند منان اقتضا می‌کند که انسان به این حقیقت توجه داشته باشد و بنابراین برای هیچ کس در عرض خدا و مانند او احترام و ارزش قائل نشود. در دوست داشتن قلبی، در خضوع کردن و اطاعت نمودن و... کسی را شریک خداوند قرار ندهد. این حقی است که او بر ما بندگان دارد. اگر کسی به این واقعیت توجه نکند یا در عمل کوتاهی نماید، در واقع، حق خدا را ضایع کرده و به او «ظلم» نموده و نسبت به او کفران نعمت کرده است. از این رو، شکرگزارنده به پیشگاه خدای متعال باید از هر نوع شرکی نسبت به او پرهیز کند. این همان سفارش لقمان به فرزندش می‌باشد و در حقیقت تجلی حکمتی است که خدا از روی فضل

«وَ اشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ إِنَّ كُتُبَكُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ.»^۱

شکرگزار نعمت خدا باشید، اگر فقط او را عبادت می‌کنید.

پس اخلاص در بندگی خدا از شکر نسبت به نعمت‌های او برمی‌خیزد و به شکرگزاری بیشتر در پیشگاه او می‌انجامد.

رسیدن به مرز انسانیت به وسیله شکر

پیامبر اسلام و اهل بیت گرامی ایشان علیهم السلام - که مربیان توحید هستند - در ابتدای هر کاری لب به ثنای الهی گشوده و خدا را حمد نموده، و اهمیّت و راه شکرگزاری او را به ما آموزش داده‌اند. امام سجّاد علیه السلام صحیفه سجّادیه را با حمد و ستایش خدای یکتا آغاز نموده‌اند. در عنوان اولین دعای صحیفه آمده است:

كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالْدُّعَاءِ بَدَأَ بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ.

همه این دعا درباره حمد و ستایش خداست. در فرازی از دعا - که شاهد بحث ما می‌باشد - آمده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ - عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَابِعَةِ وَ اسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ - لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ. وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنَّهُمْ إِلَّا

كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»^۱ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ وَ الْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ.^۲

حمد، مخصوص خدایی است که اگر شناخت حمد و سپاسگزاری خود را نسبت به عطایای پی در پی خود - که وسیله آزمایش آنهاست - و نیز نعمت‌های پیوسته‌ای که بر ایشان به طور کامل ارزانی داشته، محروم می‌ساخت، در آن صورت، از مواهب و نعمت‌های الهی استفاده می‌کردند، اما خدا را حمد نمی‌کردند و در روزیش گشایش می‌یافتند (با فراخی و وسعت، از رزق و روزی خدا استفاده می‌کردند)، ولی شکر او را به جا نمی‌آوردند. و اگر چنین بودند، آن وقت از مرزهای انسانیت خارج شده، به جرگه چارپایان می‌رفتند و آن‌گونه می‌شدند که خدا در کتاب محکم خود (قرآن) وصف کرده است:

«آنها نیستند مگر چون چارپایان بلکه همراه‌تر از آنان» و حمد و سپاس خدای را که خود را به ما شناسانده و شکر خود را به ما الهام نموده است.

از بیان نورانی امام سجّاد علیه السلام می‌فهمیم که اگر خدای متعال، فهم و شناخت «حمد» خودش را به بندگان عطا نکرده بود، آنها از این نعمت بزرگ محروم می‌ماندند. پس اینکه انسان بفهمد و عقلش برسد که باید خدا را حمد کند، اکتسابی نیست و مانند همه معرفت‌های دیگر، صنع خود خداست^۳ و اگر خدا باب حمد خودش را بر بندگان نمی‌گشود تا

۱- فرقان / ۴۴.

۲- صحیفه سجّادیه، دعای اول.

۳- این مطلب در مباحث حلقه اول به تفصیل مورد بحث واقع شد.



آنها بفهمند که باید او را شکر کنند، این باب برای همیشه بسته می ماند. البته حمد کردن، فعل اختیاری ماست، ولی معرفت حمد، صنع خداست. تا این معرفت برای ما حاصل نشود، زمینه ای برای حمدِ اختیاری ما به وجود نمی آید.

معرفت «حمد»

معرفت «حمد»، از بزرگ ترین نعمت های خدا بر ما انسانهاست که نوعاً مورد غفلت و بی توجهی قرار می گیرد و کمتر کسی به نعمت بودن آن توجه می کند. برای تنبه به این موهبت الهی، باید بدانیم که ممکن بود خداوند انسان را بیافریند و نعمت های بی شماری هم به او ببخشد، اما معرفت حمد و سپاس مُنعم را به او ندهد. این معرفت، چیزی غیر از معرفت خدا و غیر از معرفت نعمت های خداست. لازمه شناخت خدا و نعمت های او، این نیست که انسان، لزوم حمد خدا و حُسن این کار را بفهمد. به عنوان مثال «سلامتی» از نعمت های بزرگ خداست که بسیاری اوقات، مورد غفلت و بی توجهی انسان قرار می گیرد. اما فهم نعمت بودن سلامتی یک مطلب است و فهم اینکه انسان سزاوار است به خاطر این نعمت، شکرگزار خدای مهربان باشد، مطلب دیگری است. ممکن بود خدای تعالی فهم نعمت سلامتی را به انسان ببخشد، ولی فهم این وظیفه را که باید شکرگزار نعمت الهی باشد، به او عطا نکند.

بنابراین «معرفت حمد خدا» نعمت بسیار بزرگ و در عین حال لطیفی است که فهم نعمت بودن آن، با تذکر امام زین العابدین(ع)، به فضل الهی برای انسان روشن می گردد.

امام علی(ع) در پاسخ به این سؤال که اگر خدا این معرفت را به بندگان عطا نمی کرد چه می شد، بیان بسیار زیبا و روشنی فرموده اند: مردم از نعمت های بیکران الهی - که از سرمّت و بدون هیچ استحقاقی به آنها عطا کرده است - پی در پی استفاده می کردند و غافل از اینکه خدا می خواهد به این وسیله بندگان را امتحان کند، از ستایش و شکرگزاری نسبت به او دریغ می ورزیدند. در این صورت، مانند چار پایان و بلکه گمراهتر از آنان می شدند.

تعبیری که در بیان عطای نعمت در این دعا به کار رفته، فعل «ابلا هُم» است. «ابلی» مانند «ابتلی» معنای امتحان را در بردارد؛ همان طور که در قرآن کریم درباره امتحان حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام تعبیر «ابتلی» به کار رفته است:

«وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ...»^۱

وقتی خدا ابراهیم را به کلماتی امتحان کرد.

خداوند چون می خواسته حضرت ابراهیم(ع) را امتحان کند، تعبیر «ابتلی» را به کار برده است.

در اینجا نیز امام علی(ع)، واژه «ابلی» را استفاده فرموده اند که معنای امتحان الهی را می رساند. پس اگر خدا «معرفت حمد» خودش را به بندگان عطا نمی کرد، هرگز در این امتحان پیروز نمی شدند و نعمت های بی دریغ الهی را صرف می کردند، بدون اینکه حمد او را به جا آورند.

انسانی که «معرفت حمد» به او تفضّل نشده است، با فراخی و وسعت، از رزق و روزی خدا بهره می گیرد، ولی شکر خدا را نمی کند.



بدین ترتیب، از مرزهای انسانیت خارج شده، به حدّ بهیمیّت می‌رسد؛ یعنی به درجهٔ چارپایان تنزّل نموده، چه بسا از آنان هم پست‌تر گردد:

«إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا.»^۱

آنها نیستند مگر مانند چارپایان؛ بلکه گمراه‌تر از آنان.

طبق فرمایش امام علیه السلام «شکر خداوند»، وجه تمایز انسان و حیوان است. «معرفت حمد» زمینهٔ انجام آن را برای انسان فراهم می‌کند. در ادامهٔ دعا، امام سجّاد علیه السلام دو نعمت بزرگ الهی را مطرح می‌کنند و به خاطر آنها به درگاه خداوندشکر می‌گزارند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ وَ الْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ.

خدای را حمد که خود را به ما شناسانده و شکر خود را به ما الهام نموده است.

بدون شک، بزرگترین نعمت خدا بر بندگان، این است که خود را به آنها شناسانده است. پس از آن، نعمت «الهام شکر» به آنهاست. اگر خدا معرفت خود را به ما نداده بود و شکرش را به ما الهام نکرده بود، آنگاه «معرفت خدا» را هم نعمت نمی‌دانستیم و نمی‌فهمیدیم که خدای سبحان، چه لطفی به ما کرده و چه ممتنی بر ما نهاده، که معرفتش را به ما عطا کرده است. در نتیجه، شکر آن را به جای نمی‌آوردیم. الهام شکر توسط خدای متعال به واسطهٔ اعطای نور عقل به انسان است که او را از حیوان ممتاز و برتر قرار می‌دهد و انسان به لطف پروردگار، لزوم شکر مُنعم را می‌فهمد.

درس دوم: شکر مُنعم

مُنعم دانستن خدا

انسان با تأمل در حال خود می‌یابد که همهٔ کمالاتی که نصیب او شده، از جانب خداست. پروردگار مهربان - بدون اینکه استحقاقی در کار باشد - نعمت‌های بسیاری به او ارزانی کرده است. نفسی که همواره باعث رسیدن اکسیژن به اعضاء و جوارح می‌شود، اگر اندک زمانی دیر برسد، انسان متکبر را خوار و ذلیل می‌سازد. مابه خوبی می‌یابیم که آمد و شد نفس‌ها در اختیار ما نیست. اگر خدای مهربان، لحظه‌ای این لطف خویش را از ما دریغ نماید و مقداری آب، راه تنفس ما را مسدود گرداند، آنگاه متوجه می‌شویم چه نعمتی از ما سلب شده و نفس‌هایی که تا کنون کشیده‌ایم، جز عنایتی از طرف خدا نبوده است.

همچنین انسان، خود را عاقل می‌یابد، ولی خوب می‌داند که عاقل بودنش به اختیار خودش نیست و عقل نیز نعمتی است که بدون

